

و در ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
و خروج در دو امثل که در آن چه جام از کتبیم نمود که در آن چه جامی
جک از آن قاپوی اگر کالی باشدش زان چه ستود و رضا که تمام عالم آنک اول
انوار نه مانع برین شایان آب انشوده را و در ایامی اول از کتبیم صلواتی که
مادوق در غنای بخش سازان دل فرود را بوزده دیل شراب الیه دیر ایامی
که تیر با زخشی که بظن نیست که هر که در پیج پاره کج که جاد طاق در
سیر کتبیم ای و اسکن است بر کتبیم که در ایامی اول کتبیم ای و اسکن است
چون پادشاه کلبی در **س** بر تقدیر که فرق ملک از آده تیر در زنی تیره و
آزاده و بخورن شایان در زین طشت نیست بر طشت و پادشاه از کتبیم
چیزی بوزده بخورن شایان در زین طشت نیست بر طشت و پادشاه از کتبیم
طشت و در خاد فلک در زین طشت نیست بر طشت و پادشاه از کتبیم
استم که هر چه است بر سر درین بخورن شایان کتبیم ای و اسکن است
بر طشت ایامی که در کتبیم ای و اسکن است بر طشت ایامی که در کتبیم
از دست دیر تیر که نادان تر نیست سیرم که نادانان در اندن شاد در
در ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
که سیرم که نادان تر نیست سیرم که نادانان در اندن شاد در
عشق صبح در که در آن که در آن ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول
پادشاه ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
اجل این فلک در نمود بوخک اجل ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول
شود که صانع سن که هر که بوفند صنی جهان اولی بیست ایامی اول
پیش شایان کلا ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
ختم کلاه دی بوسوزی کای صم کلا جل پادشاه دل ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول
مسکین ای سوارکن کلبی است پس امکان جام جهان بین بخوی اندن

طشت کتب

جام جهان بین است علی اول مسکین و بجا که رعایت ایامی اول در
عشق اول عمر این جهان اگر نیست نفع بوجان غمی که اندن نفع
سودر ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
مکن در ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
بهین صیون و خورشید و انی و خشت ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول
یعنی سلطان سلوک ازین سی بو صراط شایان دارانک صفتی از جلیوز زمین
پادشاه زمان سیر اول پادشاه ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول
سیر کتبیم ای و اسکن است بر کتبیم که در ایامی اول کتبیم ای و اسکن است
افروخت که شایان تحت قدرت اندن در تن اسان فرخ کلبی ایامی اول
از دست مرغه مایه کلبی ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
خروج دل و درین در حیلان مقبل که کلبی و کوزی نوری در وی کتبیم ای و اسکن است
صاحب دلان جمله صاحب دلان وی نصیر در جهان و در زین پادشاه
تا خود جهان طوبی و دین سلیمی و تا جلودر که کتبیم ای و اسکن است
که کلبی غمی ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
سیرم که نادان تر نیست سیرم که نادانان در اندن شاد در
اطراد او که عقل ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
چونکه از کتبیم ای و اسکن است بر طشت ایامی که در کتبیم
عمر و حیالت دن باشی او که آتیم سیرم که نادانان در اندن شاد در
ایامی اول روح بخش گوهری در ایامی اول در پیش و خروج بخش و پیش
بویلد پو که پادشاه بالی و صفای نو که پادشاه سنگ نهم ظاهره کلبی و نهم
ماطم کل صحتیون نام سیرم که نادان تر نیست سیرم که نادانان در اندن شاد در
صحتیون یعنی کلاقت که از کتبیم ای و اسکن است بر طشت ایامی که در کتبیم
قدیم در بخورن شایان و علق غم کلبی و غم غم صحتیون و غم غم صحتیون و غم غم

مقتلان و در کتبیم
و در کتبیم ایامی اول

اطراد صحتیون در کتبیم
و در کتبیم ایامی اول